

انتوی که لوطیش مرده بود

صادق چوبکی



۱۳۹۸

سرشناسه

عنوان و نام پدید آور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

موضوع

رده بندی کتب

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ما

: چوبک، صادق، ۱۲۹۵ - ۱۳۷۷.

: انتری که لوطیش مرده بود / صادق چوبک.

: تهران: جاویدان، بدرقه جاویدان ۱۳۹۵.

: ۱۲۰ ص.

: 978-964-332-091-1

: فیفا

: داستان های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴

: ۱۳۹۴ ۸ الف ۲۳ و ۱۲ / PIR ۸۰

: ۸۴۳/۶۲

: ۳۹۱۴۹۲۸



انتشارات جاویدان به همکاری انتشارات بدرقه جاویدان



انتری که لوطیش مرده بود

صادق چوبک

مدیر تولید : مسعود عطایی شمسی

نوبت چاپ : اول ۱۳۹۸

شمارگان : ۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی : ترنج رایانه

چاپ و صحافی : چاپخانه منصور

قیمت : ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۲-۰۹۱-۱ : ISBN: 978-964-332-091-1

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان فروردین، کوچه نوروز، پلاک ۲۶

تلفن: ۶۶۴۱۱۵۰۸ - ۶۶۴۱۴۳۶۲

فروشگاه: خیابان ولیعصر، نبش خیابان فاطمی، انتشارات بدرقه جاویدان

تلفن: ۸۸۹۷۵۵۸۱-۴

فهرست

- ۲۱ چرا دریا طوفانی شده بود
- ۴۹ قفس
- ۵۵ انتری که لوطی‌اش مرده بود
- ۷۷ توپ لاستیکی (نمایشنامه)

www.ketab.ir

فرازهایی از زندگانی صادق چوبک

برگرفته از کتاب پژوهشگران معاصر

هوشنگ اتحاد

صادق چوبک (۱۲۵۱-۱۳۷۷ ه.ش)، با نام مستعار محمد صادق چوبین، نویسنده، راجع بهایشنامه‌نویس و از پیشروان داستان‌نویسی در ایران است. او به همراه «صادق هدایت»^۱ و «بزرگ علوی»^۲ جزو نویسندگان معاصر و از پیشگامان شکوفایی ادبیات سستی محسوب می‌گردند. انجوی شیرازی^۳ او را یکی از نویسندگان مقتدر ادب فارسی معاصر می‌دانست و مسعود فرزاد^۴ در مورد او می‌گفت: «صادق چوبک

۱. صادق هدایت (۱۲۸۱-۱۳۳۰ ه.ش) از پیشگامان ادبیات داستانی دهه سبک نویسندگان غربی و با محتوای کاملاً ایرانی است که آثارش به چند زبان خارجی ترجمه شده است.
۲. بزرگ علوی (۱۲۸۳-۱۳۷۵ ه.ش) نویسنده و از همکاران «شیرازی» در انتشار مجله‌ی دنیاست. او سال‌های ۱۳۱۶-۱۳۲۰ را در زندان گذراند و از سال ۱۳۲۱ به بعد در خارج از ایران، به ویژه در آلمان زندگی کرد. آثار او شامل: «چمدان»، «پاره‌های زندان»، «چشم‌هایش»، «پنجاه و سه نفر» و چندین نوشته‌ی دیگر است.
۳. سید ابوالقاسم انجوی شیرازی (۱۳۰۰-۱۳۷۳ ه.ش) نویسنده، پژوهشگر و روزنامه‌نگار ایرانی و پژوهش در فرهنگ مردم و مؤلف کتاب‌های: «تمثیل و مثل»، «مردم و شاهنامه» می‌باشد.

۴. مسعود فرزاد (۱۲۸۵-۱۳۶۰ ه.ش) مترجم کتاب‌های «هاملت»، «رؤیا در نیمه‌شب»، «مجموعه‌ی منظوم کوه تنهایی» و «گل غم و بزم درد» و چند کتاب دیگر می‌باشد. او پس از گذراندن تحصیلات دبیرستانی در سال ۱۳۰۸، به انگلستان رفت و به تحصیل علم اقتصاد و ادبیات مشغول شد.

نویسنده‌ای است که باعث افتخار کشور ماست و آثارش، هم خواندنی و هم قابل ترجمه به زبان‌های بزرگ است. هر چند سال‌های بعد از انقلاب، اثری از چوبک در وطنش منتشر نشد، اما نام وی به عنوان یکی از پیشروان داستان‌نویسی ایران، در اذهان زنده ماند.

در داستان‌های او زندگی و ازدگان جامعه‌ی واپس‌مانده، از زاویه‌های تازه توصیف می‌شود؛ به طوری که می‌توان گفت تا قبل از او (جز هدایت در کتاب غلویه خانم) هیچ نویسنده‌ی دیگری با چنین اشتیاقی به زندگی رنگ‌ان، تریاکی‌ها، فواحش، مرده‌شوی‌ها و سایر رانده‌شدگان و بیچارگان نپرداخته بود.

صادق چوبک برخلاف نویسندگانی چون «محمد حجازی»^۱ و «علی دشتی»^۲ نظم حاکم را هماهنگی به سامان و هنجار نشان نمی‌دهد؛ بلکه می‌کوشد درهم‌ریختگی، آشفتگی آن را یادآور شود. اما نه تنها وضعیت بهتری را پیشنهاد نمی‌کند بلکه تلاشش برای گسیختن از وضع موجود را هم بیهوده می‌داند.

او می‌گوید در محیطی که ما زندگی می‌کنیم، احمقانه خواهد بود اگر تخیل بهشتی داشته باشیم. تخیل چوبک دوزخ است؛ به دلیل این که محیطی که او در آن زندگی می‌کند، مانند دوزخ است که آتش طمع و

در ضمن به تصحیح دیوان حافظ پرداخت.

۱. محمد حجازی (۱۲۷۹-۱۳۵۲ ه. ش) ملقب به مطیع‌الدوله، از نخستین داستان‌نویسان ایرانی به سبک غربی است. از معروف‌ترین داستان‌های او: «زیبا»، «هما»، «آینه» و «سرشک» می‌باشد.

۲. علی دشتی (۱۲۷۶-۱۳۶۰ ه. ش) ادیب، سیاستمدار، روزنامه‌نگار و نویسنده‌ی کتاب‌های: «فتنه»، «کاخ ابداع»، «در دیار صوفیان»، «پرده‌ی پندار»، «عقلا بر خلاف عقل»، «اعتماد به نفس»، «جادو»، «هندو»، «سایه»، و نقدهایی مانند: «نقشی از حافظ»، «در قلمرو سعدی»، «سیری در دیوان شمس»، «دمی با خیام»، «تصویری از ناصر خسرو»، «شاعر دیرآشنا» و «بیست و سه سال» می‌باشد.

فقر و وحشت و گرسنگی و شهوت، دمار از روزگار انسان درمی‌آورد. دوزخ زبان دوزخی می‌طلبد.

چوبک زبان خاص خود را دارد. گرچه در اوایل، این زبان همسایگی‌هایی با زبان صادق هدایت داشت ولی بعدها چوبک این همسایگی را پشت سر گذاشت و به سوی زبانی دقیق‌تر از زبان هدایت قدم برداشت.

چه که از مجموع تصاویر مختلف زبان، بیشتر از تشبیه و بعد، از اشاره استفاده می‌کند. محتوای زبان چوبک، شفافیت خود را نخست از طریق این تصاویر و در درجه‌ی دوم، از طریق اشارات عامیانه و در مرحله‌ی سوم از اسامی و قصه‌های عامیانه که بیشتر متعلق به بوشهر و شیراز هستند، بدست می‌آورد. غنای این زبان متعلق به این سه ریشه‌ی انسانی است.

وقتی چوبک در سال ۱۳۴۵، «سنگ‌سور» را به چاپ رساند و یک جلد آن را برای سید محمدعلی جمالزاده^۱ فرستاد، جمالزاده طی نامه‌ای به او نوشت: «بی‌نهایت استادانه از عهده‌ی کار برآمده‌اید و همه را مانند دستگاه عکاسی و جعبه‌ی صوت صدا، با دقت و بصیرت کامل منعکس ساخته‌اید. املا را خواسته‌اید عوامانه باشد. لابد می‌دید که هر چند من طرفدار انشای عوامانه هستم، با املاهای عوامانه می‌بایستی با نرم و معتقدم که خواننده‌ی ایرانی، خودش در موقع خواندن، ممکن است با این و صوت عوامانه بخواند.»

نجف دریابندری^۲ گفته: «صادق هدایت برای نخستین بار چهره‌های مردم عادی واقعی را در نمونه‌های درخشان از داستان‌های کوتاه، تصویر

۱. محمدعلی جمالزاده (۱۲۷۴-۱۳۷۱ ه. ش) پسر جمال‌الدین واعظ و نویسنده‌ی نخستین داستان‌های کوتاه فارسی مانند: «فارسی شکر است»، «یکی بود؛ یکی نبود»، «دارالمجانین»، «صحرای محشر» و «قتلشن دیوان» می‌باشد. او را پدر داستان‌های کوتاه زبان فارسی می‌دانند.
۲. نجف دریابندری (متولد ۱۳۰۹ ه. ش) از پژوهشگران و مترجمین پرکار معاصر می‌باشد.

کرده و شاید غیر از «علویه خانم» صادق هدایت مورد دیگری نداشته باشیم که صدای آدم‌های داستان به همان صورتی که از دهانشان بیرون می‌آید، روی کاغذ ضبط شده باشد. من گمان می‌کنم نخستین بار صدای مردم را چنان که هست، در مجموعه داستان‌های کوتاه صادق چوبک به نام «خیمه‌شب‌بازی» شنیده‌ام. در این داستان‌ها نخستین بار آدم‌هایی از قبیل نفت‌فروش، کلفت، مرده‌شور، لات آس و پاس، فاحشه، پسر بچه‌ی شاگرد مارتسه و کارمند وزارت مالیه به زبان خودشان حرف می‌زنند و نویسنده با است و مهارت غریبی عین صدای آنها را ضبط می‌کند.

«خیمه‌شب‌بازی» در سال ۱۳۲۴ منتشر شد و از همان آغاز بر شیوه‌ی قصه‌نویسان پسر و روشنفکر سایه افکند و می‌توان گفت حتی نوعی «تب چوبک» پدید آمد.

پرویز ناتل خانلری^۱، ریاست کتاب «خیمه‌شب‌بازی» چوبک ابتدا در مجله‌ی سخن و سپس در نخستین کنگره‌ی نویسندگان ایران گفته بود: «صادق چوبک با انتشار نخستین مجموعه داستان‌های خود، در سال گذشته میان نویسندگان معاصر مقام ارجمنده‌ی یافت. این کتاب شامل یازده قطعه است که بعضی از آنها داستان‌های اجتماعی است و بعضی دیگر گوشه‌ای از زندگی آدمی را نشان می‌دهد و به بررسی‌ای طرح یا عکسی است که از حادثه یا منظره‌ای برداشته باشند.»

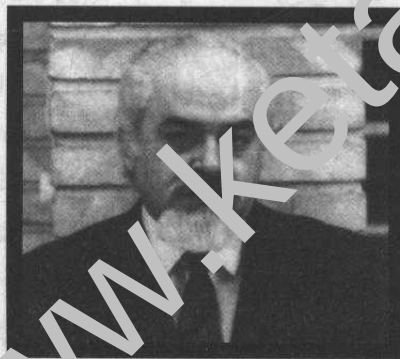
خانلری درباره‌ی کتاب سنگ صبور می‌گوید: «این کتاب فصل تازه‌ای در ادبیات ایران گشوده است. انتشار سنگ صبور به عقایدی است که واقع‌ی مهم ادبی است؛ چیزی در ردیف «یکی بود، یکی نبود» جمالزاده و «بوف کور» هدایت. برای این است که می‌گویم «سنگ صبور» زیربنای داستان‌نویسی آینده‌ی ایران است.»

۱. پرویز ناتل خانلری (۱۲۹۱-۱۳۶۹ ه.ش) شاعر، ادیب، ناشر مجله‌ی سخن، محقق ایرانی، استاد دانشگاه و بنیانگذار «بنیاد فرهنگ ایران» است.

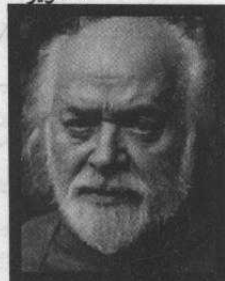
از سویی نیز غلامحسین یوسفی^۱ استاد دانشگاه، کمال قدرت چوبک را در اثر دیگر او، «تنگسیر» می‌داند و عقیده دارد: «در عین حال که داستان مربوط به اشخاص معمولی و در دنیای عادی است، اندیشه‌های بلند و دریافتنی دربر دارد که با مطالعه و تأمل، ارج آنها معلوم می‌شود.»

چوبک درباره‌ی شرح زندگانی خود می‌نویسد:

«در بوشهر زاده شدم. گرماگرم جنگ جهانی اول بود. در آن دوران شهر چنان که از سن شش هفت سالگی به یاد دارم، به گونه‌ای یک مستعمره‌ی انگلیس بود. ملل روس، آلمان، فرانسه و انگلیس و چند کشور دیگر نیز در بوشهر کنسولگری داشتند.



تصویر شماره ۱: صادق چوبک در جوانی



تصویر شماره ۲ و ۳: صادق چوبک در ایام کهولت

۱. دکتر غلامحسین یوسفی ادیب و پژوهشگر، مصحح بوستان و گلستان سعدی، استاد دانشگاه تهران بود.

پدر من بازرگان بود و از خانواده‌ی^۱ مرفهی بودم و تا بعدها که ازدواج کردم، مزه‌ی نداری و این‌گونه محرومیت‌ها را نچشیده بودم. اکثر مردم بوشهر هم پولدار بودند. گدای بوشهری وجود نداشت اما از اطراف، گروهی با زن و بچه برای گدایی به بوشهر می‌آمدند.

بوشهر یک دبستانی به نام مدرسه سعادت داشت که میرزا احمدخان در بایگی که از فارغ‌التحصیل‌های دارالفنون بود، آن را به اسلوب دافتن، به هزینه‌ی بازرگانان بوشهر در سال ۱۳۱۷ هجری قمری بنا نهاد. من در نیمه‌ی کلاس دوم آن مدرسه بودم که گرفتار مالاریای حتی ش.م. بنابراین مرا برای معالجه به شیراز فرستادند پیش پدرم که آن‌سره گرفته بود. در آن جا برای درمان نزد دکتر کریم‌خان (سرلشکر کریم‌گدایت) رفتم.

آن زمان من هنوز خنده نوشتن را درست نمی‌دانستم اما شب‌ها پدرم دو کتاب برای هم‌پرس من خواند و من هم گوش می‌دادم. یکی کتاب «یکی بود، یکی نبود» جمالزاده در دیگری کتاب «هزار و یک شب». من علاقه‌ی زیادی به شنیدن این داستان‌ها داشتم و دلم می‌خواست یک روزی بتوانم چنین چیزهای بنویسم.

مونس من در شیراز میمون کوچکی بود که پدرم برایم خریده بود و اسمش «مخل» بود. او با من انس‌گرایی داشت. او همان مخمل است که سالیان بعد در داستان «انتری که لوطی‌اش سرده بود»، جان گرفت و زنده شد.

طبعاً در آن زمان با زن پدرم میانه‌ی خوبی نداشتم و زن پدرم با مخمل مانند کارد و خون بودند و چند بار مخمل بر او پریده و گازهای جانانه از او گرفته بود. بنابراین پدرم مخمل را به یک افسری که برای معشوقه‌اش خواهانش بود، بخشید و از آن پس من تنها ماندم.

۱. نام پدر صادق چوبک محمد اسماعیل بوشهری بازرگان و نام مادر او، رقیه سلطان بود.